



دوماهنامه علمی بین‌المللی
د ۱۲، ش ۲ (پیاپی ۶۲) خرداد و تیر ۱۴۰۰، صص ۶۵۹ - ۶۹۱
مقاله پژوهشی

اثر جنسیت کودک، شغل و تحصیلات والدین، تک‌فرزندی و سبک‌های فرزندپروری بر رشد معناشناسی، نحو و تولید کلمه در کودکان پیش‌دبستانی

حمید خانی‌پور^{۱*}، مهسا آقازمانی^۲، سارا نظافت بخش^۳، سارا تروند^۴

۱. استادیار گروه مطالعات روان‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
۲. کارشناسی ارشد گفتاردرمانی، دانشکده توان‌بخشی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.
۳. کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد الکترونیک، تهران، ایران.
۴. دانشجوی کارشناسی ارشد توان‌بخشی شناختی، مؤسسه آموزش عالی علوم شناختی، تهران، ایران.

پذیرش: ۹۹/۰۷/۰۷

دریافت: ۹۹/۰۳/۱۲

چکیده

رشد زبان در کودکان تفاوت‌هایی با هم دارد و عوامل مرتبط با کودک و خانواده ممکن است روی تسهیل یا تضعیف رشد زبان اثر بگذارد. هدف مطالعه حاضر، بررسی اثر جنسیت کودک، تعداد فرزندان خانواده، شغل والدین (پدر و مادر)، تحصیلات والدین و سبک‌های فرزندپروری بر روی رشد مؤلفه‌های زبانی (معناشناسی، نحو و تولید کلمه) بود. جامعه شامل کودکان پیش‌دبستانی و خانواده‌هایشان در شهر کرج بودند. از ۹۸ خانواده و کودک نمونه‌گیری انجام شد. آزمون رشد زبانی (نسخه سوم) روی کودک اجرا شد و پرسش‌نامه اطلاعات جمعیت‌شناختی و پرسش‌نامه اقتدار والدگری روی والدین اجرا شد. یافته‌ها نشان داد عملکرد دختران در مؤلفه‌های درک نحوی، تکمیل دستوری و استفاده از واژگان ربطی بهتر از پسران بود. تفاوتی بین خانواده‌های تک‌فرزند و چند فرزند در مؤلفه‌های رشد زبانی وجود نداشت. شغل پدر تأثیر معناداری بر روی شاخص‌های رشد زبانی نداشت، اما عملکرد کودکانی که مادرانشان شغل بیرون از خانه داشتند نسبت به مادران خانه‌دار، بهتر بود. کودکانی که والدینشان تحصیلات بالاتری داشتند عملکرد بهتری در خرده‌آزمون‌های درک نحو، تکمیل دستوری و استفاده از واژگان ربطی داشتند. به‌علاوه، سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه و سهل‌گیر رابطه مثبت با رشد نحو و معناشناسی داشتند، در

حالی که سبک فرزندپروری مستبدانه رابطه منفی با درک نحو و معناشناسی داشت. می‌توان گفت وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده (به‌صورت خاص سطح تحصیلات والدین و شاغل بودن مادر) و سبک‌های فرزندپروری روی اکتساب زبان کودکان اثرگذار است و توانایی زبانی در حوزه معناشناسی و نحو در دختران، در دوره پیش‌دبستانی، بهتر از پسران است.

واژه‌های کلیدی: زبان، رشد، فرزندپروری، نحو، وضعیت اجتماعی - اقتصادی.

۱. مقدمه

کودکان از لحاظ رشد مهارت‌های زبانی شامل معناشناسی، نحو و توانایی تولید کلامی با هم تفاوت‌هایی دارند. در یک تخمین کلی رشد این مهارت‌ها تا حدی متأثر از ویژگی‌های ساختاری مانند جنسیت و ویژگی‌های محیطی مانند جامعه، خانواده، فرهنگ، فرزندپروری و وضعیت اجتماعی - اقتصادی است. پرسش اصلی این پژوهش این بود که تأثیر عواملی مانند جنسیت، مؤلفه‌های مرتبط با شغل و تحصیلات والدین، تک‌فرزندپروری یا داشتن خواهر و برادر و همین‌طور سبک‌های فرزندپروری (اقتدارگرایی، مستبدانه و سهل‌گیرانه) روی رشد کدام مؤلفه زبانی (معناشناسی، نحو و توانایی تولید کلامی) تفاوت و تأثیر ایجاد می‌کنند.

درک بهتر تفاوت در رشد زبانی در حوزه‌های معناشناسی، نحو و تولید کلمه می‌تواند در فهم مسیر رشد زبان کمک‌کننده باشد. همین‌طور یافته‌های حاصل از بررسی اثر شاخص‌های جمعیت‌شناختی خانواده و شیوه فرزندپروری روی مهارت‌های معناشناسی، نحو و تولید کلمه می‌تواند اطلاعاتی درباره سازوکارهای محیطی که روی رشد زبان اثر می‌گذارند، در اختیار بگذارد. بر این اساس، هدف این پژوهش بررسی تأثیر جنسیت کودک، شغل و تحصیلات والدین و سبک‌های فرزندپروری والدین بر روی رشد معناشناسی زبان (خرده‌مهارت‌های درک معنای کلمات به‌صورت مفهومی، مصداقی)، رشد نحو (توانایی استفاده از ادوات صرفی و تکمیل جمله‌ها به لحاظ دستوری) و توانایی تولید کلمه (توانایی تولید و تلفظ صحیح کلمات در جمله‌ها) بود. فرضیه این پژوهش این بود که بین دو جنس و همین‌طور بین خانواده‌هایی که والدین شاغل و تحصیلات بالاتری دارند، رشد مؤلفه‌های زبانی بهتر از گروه با شغل و تحصیلات پایین‌تر است. پرسش‌های پژوهش هم دو مورد از این قرار بود: ۱. آیا رشد مؤلفه‌های زبانی در

خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند با هم متفاوت است؟ و ۲. کدامیک از سبک‌های فرزندپروری روی چه مؤلفه‌های رشد زبانی اثرگذارند؟ برای پاسخ به پرسش‌های اطلاعات با استفاده از ابزارهای معتبر از کودک و خانواده جمع‌آوری شد و فرضیه‌ها و پرسش‌های پژوهش بررسی شدند.

۲. پیشینه پژوهش

زبان یکی از مؤلفه‌های نظام شناختی انسان است که روی برقراری ارتباط و تفکر و حل مسئله اثرگذار است. در طول رشد یک سری مهارت‌های زبانی در کودک شکل می‌گیرد. این مهارت‌های زبانی شامل مهارت‌های مرتبط با حوزه‌های معناشناسی، صرف و نحو و کاربردشناسی زبان است (Gleason & Ratner, 1989). یافته‌های پیشین نشان داده است رشد این مؤلفه‌ها تا حدودی مستقل از هم و حوزه‌مند است (احدی، ۱۳۹۵). به‌صورت جزئی‌تر و در ارتباط با خرده‌مهارت‌هایی که کودک در جریان رشد زبان بر آن‌ها تسلط پیدا می‌کند، می‌توان این حوزه‌های زبانی را به یک دسته خرده‌مهارت تقسیم‌بندی کرد که از این قرار است: توانایی تولید کلمه در پاسخ به تصویر یا واژگان تصویری، درک معنای مشترک دو کلمه یا واژگان ربطی، توانایی توصیف کلمه و درک معنای مصداقی کلمه‌ها یا توانایی کاربرد واژگان شفاهی، درک دستوری، تقلید جمله، تکمیل دستوری، تمایزگذاری کلمه، تحلیل واجی و تولید کلمه (Newcomer & Hammill, 2019). رشد این مهارت‌ها هم متأثر از تحول تدریجی و رسش درونی مغز است و هم متأثر از محرک‌های محیطی و عوامل مربوط به جامعه و خانواده. عوامل مؤثر بر رشد زبان را می‌توان در یک شکل کلی متأثر از ویژگی‌های مرتبط با جنسیت، وضعیت اقتصادی اجتماعی خانواده، تعداد فرزندان خانواده، شغل و تحصیلات والدین و نحوه فرزندپروری در خانواده برشمرد.

برخی یافته‌های پیشین در زمینه رابطه رشد زبان و جنسیت نشان داده است در کل اختلال‌های زبانی در پسران بیشتر از دختران است و دختران رشد زبانی سریع‌تری نسبت به پسران دارند (Peters & Matson, 2018). نتایج مطالعات بین‌فرهنگی (Rescorla et al., 2016) و برخی مطالعات طولی (Erikson, 2017) یافته‌های معنادار درباره ارتباط جنسیت با برخی از جنبه‌های رشد زبان نشان داده است. با این حال، به‌صورت دقیق مشخص نشده است آیا

تفاوت‌های جنسی در رشد زبان در همه مؤلفه‌هاست یا محدود به برخی از مؤلفه‌های خاص. عامل دیگر مؤثر بر رشد زبان در کودکان نوع شغل و تحصیلات والدین است. مطالعات پیشین در این زمینه یافته‌های متنوعی را به دست داده است. در بیشتر مطالعات مشخص شده است که شغل و تحصیلات والدین به صورت افتراقی روی رشد برخی از مؤلفه‌های رشد زبانی اثرگذار است (Cadime et al., 2018; Hoff, 2006; Pancsofar et al, 2010; Pancsofar & Vernon-Feagans, 2006; Vernon-Feagans et al, 2012). مطالعات جدیدتر که با روش‌های طولی انجام شده است نیز مؤید این مطلب است که مؤلفه‌های مرتبط با جایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده شامل تحصیلات و شغل والدین روی رشد زبان شفاهی و بیانی کودکان اثرگذار است (Lecheile et al., 2020). اما این مطالعات بیشتر تحصیلات والدین را مدنظر قرار داده‌اند و مواردی مانند تأثیر شاغل بودن مادر بر رشد زبان کمتر بررسی شده است.

یکی دیگر از عوامل مرتبط با خانواده که روی رشد زبان اثرگذار است، اثر تعداد فرزندان است. در برخی مطالعات مشخص شده است وجود تعداد زیاد فرزند اثر منفی روی رشد زبانی دارد، زیرا هر چه فرزندان بیشتر باشد والدین فرصت کمتری برای اختصاص توجه به فرزندان دارند و در نتیجه، رشد مهارت‌های زبانی با وقفه بیشتر همراه خواهد بود (Lawson & Mace, 2009). در خصوص تأثیر تعداد فرزندان خانواده بر رشد مهارت‌های زبانی دو فرضیه با عنوان فرضیه اتلاف منابع^۱ و فرضیه مدل تلاقی^۲ وجود دارد که هر دو بر این نظرند که با افزایش تعداد فرزندان، قدرت والدین برای تحریک کلامی کودکان کاهش می‌یابد (Downey, 2001; Jæger, 2009; Kalmijn, Van de Werfhorst, 2016; Havron et al., 2019). اما مطالعاتی هم وجود دارد که نشان داده است خواهر و برادرها در یک خانواده، گاهی به رشد زبانی کودکان خردسال خانواده می‌توانند کمک کنند (Prime et al., 2014). بیشتر مطالعات در زمینه تأثیر فرزندان روی کاهش یا تسهیل رشد زبانی در زبان‌های غیرفارسی و فرهنگ‌های فردگرا انجام شده است و از این جهت به دست آوردن اطلاعاتی درباره تأثیر تعداد فرزندان خانواده بر کیفیت و کمیت رشد شاخص‌های زبانی در جامعه ایرانی می‌تواند یافته‌های جدید و راهگشا به دست دهد.

مطالعات قبلی نشان داده است عامل محیطی دیگری که روی رشد زبان اثرگذار است، شیوه فرزندپروری است. فرزندپروری عبارت است از روش‌هایی که والدین برای مدیریت رفتار و

هیجان‌های کودک و حل مسئله‌های روزمره زندگی در خانواده به کار می‌گیرند و به سه دسته اقتدارگرایی، مستبدانه و سهل‌گیرانه تقسیم‌بندی شده است (Bornstein, 2005). یافته‌های فراتحلیل در زمینه سازوکارهای اثرگذاری شیوه‌های فرزندپروری و رشد زبان مؤید این مطلب است که فرزندپروری مبتنی بر پاسخ‌دهی و حساسیت بیشتر از محبت صرف روی رشد زبانی اثرگذار است و رابطه فرزندپروری مبتنی بر حساسیت و پاسخ‌دهی و رشد زبانی در طبقات پایین اجتماعی - اقتصادی بیشتر است (Madigan et al., 2019). با این حال، بیشتر مطالعات این حوزه بیشتر نوع زبان والدین و نحوه تعامل والدین را به‌منزله پیش‌بینی‌کننده رشد زبانی در نظر گرفته‌اند (Merz et. al, 2015) و از جهت عوامل هیجانی و کنترل‌گری والدین که اجزای اصلی فرزندپروری است، کم‌تر پرداخته شده است.

یافته‌های روان‌شناسی رشد درباره رشد زبان دیدگاه‌های متفاوتی را نشان می‌دهد. از سویی در برخی دیدگاه‌ها رشد زبان کاملاً براساس برنامه ریش درونی است (long, 1990) و در نظریه‌های دیگر، رشد زبان وابسته به شرطی شدن (Harris, 2013) و تأثیرات محیط اجتماعی و فرهنگی قلمداد می‌شود (Hoff, 2006). در نظریه‌های جدیدتر به‌صورت اختصاصی‌تر بیان شده است برخی مؤلفه‌های زبان مانند رشد نحو و گرامر زبان مستقل از عوامل محیطی است، اما جنبه‌های کاربردشناسی و غنای خزانه واژگانی و درک کلمات شفاهی بیشتر متأثر از شرایط محیط و خانواده و وضعیت اقتصادی - اجتماعی است (Kidd, Arciuli, 2016; González, 2010).

نتیجه مطالعاتی که رابطه رشد مهارت‌های زبانی را با جنسیت بررسی کرده‌اند بیشتر نشان‌دهنده تفاوتی اندک به نفع دختران است که این تفاوت با افزایش سن کودکان کم‌تر می‌شود و میزان تفاوت بین عملکرد زبانی دختران و پسران به خرده‌مهارتی بستگی دارد که براساس آن دو گروه با هم مقایسه می‌شوند (Simonsen et al., 2014). مطالعات فراتحلیل درباره تأثیر جنسیت روی رشد زبانی به این نتیجه رسیده‌اند که میزان اثر جنسیت بر رشد زبانی بستگی به سن کودکان دارد، به‌طوری که در سنین اولیه و دوران نوپایی این اثر وجود ندارد، اما در دوره پیش‌دبستانی، یعنی ۴ تا ۶ سال که مهارت‌های زبانی بیانی بیشتر ارزیابی می‌شود، این اندازه اثر متوسط و تا اندازه‌ای به نفع دختران است و در دوره اواخر کودکی و ابتدای نوجوان نیز این اثر بیشتر می‌شود و به‌تدریج در شاخص‌های مختلف زبانی عملکرد

دختران بهتر از پسران می‌شود (Marjanovič-Umek & Fekonja-Peklaj, 2017) دربارهٔ علل این نوع اثر تعاملی جنسیت، سن و رشد زبانی بیشتر تبیین‌ها متمرکز بر نقش الگوهی و جامعه‌پذیری متفاوت دختران و پسران است و این تفاوت در رشد زبانی دو جنس به دلیل عوامل بافتاری مانند متفاوت حرف زدن والدین با فرزندان دختر و پسر و انتظارات متفاوت داشتن از فرزندان دختر و پسر است که به تفاوت یا بهتر شدن عملکرد زبانی دختران نسبت به پسران منجر می‌شود (Stennes et al., 2005). در زمینه تأثیر سطح تحصیلات والدین، مطالعات مختلف نشان داده است این عامل هم به صورت مستقیم روی رشد زبانی کودکان پیش‌دبستانی اثرگذار است و هم از طریق بالا بردن دانش والد دربارهٔ روند رشد کودک سبب تسهیل رشد زبانی و رشد مهارت‌های سوادآموزی در دورهٔ پیش‌دبستانی می‌شود (Rowe et al., 2016). تحقیقات دیگری نیز در این زمینه نشان داده است گاهی با کنترل عامل تحصیلات والدین، اثراتی که تصور می‌شد نتیجهٔ تأثیر تفاوت‌های فرهنگی بر رشد زبان کودکان است، از بین می‌رفت (Bornstein et al., 2010). و همین‌طور سطح تحصیلات والدین در تحقیقات گذشته به منزلهٔ یکی از مهم‌ترین عواملی مشخص شد که می‌تواند تفاوت رشد زبانی کودکان را در طبقات اجتماعی اقتصادی مختلف تبیین کند (Pungello, Iruka, Dotterer, Mills-Koonce, 2009, Reznick).

شغل والدین یکی دیگر از منابع تعیین‌کنندهٔ جایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده است. پژوهش‌ها در این حوزه به دو دسته تقسیم می‌شوند. یک دسته تحقیقاتی است که به صورت کلی نوع شغل والد پدر را بر روی رشد زبانی بررسی کرده‌اند و دستهٔ دوم مطالعاتی هستند که اثر شاغل بودن والدین را بر روی جنبه‌های مختلف رشد کودک اعم از رشد شناختی و زبانی بررسی کرده‌اند. مطالعات دستهٔ اول به صورت کلی از مثبت بودن تأثیر بالا بودن جایگاه شغلی پدران بر روی رشد شناختی فرزندان حمایت کرده است (Raviv, Kessenich, & Morrison؛ 1995، Bowey، 2017، Pace, Luo, Hirsh-Pasek, Golinkoff، 2017، و لی در دستهٔ دوم برخی مطالعات تفاوتی را از لحاظ رشد شناختی و زبانی بین خانواده‌هایی که زن شاغل بوده و خانواده‌هایی که زن شاغل نبود، نشان ندادند (Almani, Abro، 2012، Mugheri، 2010، Brooks-Gunn, Han, & Waldfogel). برخی از مطالعات نیز به نحوی تأثیر منفی بازگشت زودهنگام مادران شاغل را روی پیامدهای رفتاری و شناختی و زبانی

نشان داده‌اند (Berger, Brooks-Gunn, Paxson, & Waldfogel, 2008) و طیف دیگری هم از مطالعات اثر مثبت شاغل بودن مادر روی رشد زبانی و شناختی را گزارش کرده‌اند (Lombardi, Coely, ۲۰۱۷؛ Kalmijin, ۱۹۹۴).

درباره تأثیر تعداد فرزندان بر کاهش رشد زبانی و شناختی سایر فرزندان یک خانواده، براساس فرضیه اتلاف منابع و مدل تلاقی، پژوهش‌های قبلی نشان داده است با افزایش تعداد فرزندان، قدرت والدین برای تحریک کلامی کودکان کاهش می‌یابد (Downey, 2001; Havron, 2019; Jæger, 2009; Kalmijn, Van de Werfhorst, 2016). البته، یافته‌هایی هم وجود داشته که این یافته را به‌دست داده است که فرزندان جدید در خانواده روی منابع والدگری والدین برای رشد زبانی و شناختی فرزندان تازه به‌دنيا آمده اثر تسهیل‌گرانه دارند (Strohschein, Gauthier, Campbell, Kleparchuk, 2008). همین‌طور در مطالعات دیگر مشخص شده است فرزندان برای همدیگر می‌توانند عامل تحریک‌کننده رشد زبان باشند و به رشد زبان هم کمک کنند و در صورتی که فرزندان بزرگ‌تر حساسیت‌های شناختی خوب داشته باشند، تأثیر منفی تعداد زیاد فرزندان بر روی رشد زبان تعدیل خواهد شد (Prime, Pauker, 2014; Plamondon, Perlman, Jenkins, 2014).

سبک‌های فرزندپروری براساس دو بُعد میزان کنترل‌گری و میزان پاسخ‌دهی عاطفی والدین به سه دسته مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه تقسیم می‌شوند (Bornstein, 2005) در مطالعات مشخص شده است سبک فرزندپروری مقتدرانه بر روی رشد زبان اثر تسهیل‌کننده دارد (Bingham, Jeon, Kwon, Lim, 2017; Vernon-Feagans, 2012; Khodadady, 2013; Hadizadeh, 2013)، اما بین روش فرزندپروری سهل‌گیرانه با رشد شاخص‌های زبانی رابطه معنادار وجود دارد (Khodadady, Hadizadeh, 2013). با وجود پژوهش‌های اولیه درباره تأثیر مستقیم وضعیت اجتماعی اقتصادی و درآمد بر رشد زبان بیانی و دریافتی کودکان (Hoff, 2006; Betancourt, Brodsky, Hurt, 2015)، اما مطالعات سال‌های اخیر نشان داده است غیر از وضعیت اجتماعی - اقتصادی، عامل سبک‌های فرزندپروری والدین و نوع مدیریت هیجان‌ها در خانواده از سوی والدین و نحوه پاسخ‌دهی به نیازهای کودک نیز روی رشد زبانی اثرگذار است (Sperry, Sperry, Miller, 2019؛ Madigan, Prime, Graham, 2019؛ Tompkins, Logan, Blosser, & Rodrigues, Anderson, Khoury, Jenkins, 2017؛ Duffy). یافته‌های اختصاصی‌تر در زمینه اثرگذاری روش‌های فرزندپروری در رشد نحوی در

مطالعه‌ای طولی نشان داده است که رشد نحوی در کودکان با رشد طبیعی، فارغ از فضای هیجانی فرزندپروری (چه مثبت و چه منفی) با افزایش دروندادهای زبانی خود به خود افزایش می‌یابد و سبک فرزندپروری اگرچه روی رشد معناشناسی و خزانه واژگانی هم در ابتدای رشد و هم در دوره پیش‌دبستانی اثر مستقیم می‌گذارد، اما بر روی رشد یادگیری نحوی اثری ندارد، اما این امر درباره کودکانی که تأخیر رشدی داشتند برعکس بود و سبک‌های فرزندپروری مثبت روی بهتر شدن یادگیری نحوی در دوره پیش‌دبستانی اثرگذار بود (Moody, 2018; Baker, & Blacher).

۳. چارچوب نظری

رشد مؤلفه‌های زبان مانند هر حوزه دیگری از رشد براساس دیدگاه زیست‌بوم‌شناختی (Bronfenbrenner) و مدل تعاملی رشد^۲ (Sameroff, 2009) متأثر از خرده‌نظام‌های مختلفی است. این خرده‌نظام‌ها می‌توانند شامل ویژگی‌های پیشینی خود فرد مانند جنسیت و ریزسیستم‌هایی مانند روابط نزدیک با والدین، روابط با خواهر و برادرها در خانواده و سبک فرزندپروری و برون سیستم‌هایی مانند وضعیت اجتماعی و اقتصادی والدین باشند. از چارچوب زیست‌بوم شناختی (Bronfenbrenner, 1992) و مدل تعاملی رشد (Sameroff, 2009) برای بررسی رشد مؤلفه‌های هیجانی و شناختی مختلف استفاده شده است، اما در حوزه زبان کمتر به‌کار گرفته شده است. بر این اساس، پژوهش حاضر براساس این چارچوب نظری عوامل مؤثر بر رشد حوزه‌های زبانی را بررسی کرده است. همچنین، به‌صورت اختصاصی‌تر درباره عوامل مؤثر بر رشد حوزه‌های مختلف زبان شامل معناشناسی، نحو و تولید کلمه، الگوهای نظری بیان می‌کنند که برخی حوزه‌ها مانند معناشناسی بیشتر از تولید کلمه متأثر از عوامل اجتماعی و اقتصادی و سبک‌های فرزندپروری والدین است (Hoff, 2006). درخصوص تأثیر فرزندپروری روی رشد مؤلفه‌های زبانی، مطالعات پیشین نشان داده‌اند به‌صورت کلی برخی از سبک‌های فرزندپروری که دربردارنده پاسخ‌دهی هیجانی و انعطاف‌پذیری در کنترل کودک است و در قالب سبک فرزندپروری اقتدارگرا متجلی می‌شود روی رشد مهارت‌های زبان دریافتی و بیانی کودکان و همین‌طور مهارت‌های سوادآموزی آن‌ها اثرگذار است (Bradley, Corwyn, Burchinal,)

(Pipes McAdoo, García Coll, 2001). از این جهت، مطالعه حاضر با عنایت به این الگوهای نظری به بررسی این پرسش می‌پردازد که کدامیک از حوزه‌های رشد زبانی بیشتر متأثر از شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی و سبک‌های فرزندپروری است.

۴. روش تحقیق

طرح این پژوهش از نوع علی - مقایسه‌ای یا مورد شاهدهی است، زیرا در این پژوهش توانایی‌های زبانی کودکان برحسب یک سری ویژگی‌های ازپیش معین شده مانند جنسیت، تعداد خواهر و برادرها، شغل و تحصیلات والدین و سبک‌های فرزندپروری والدین بررسی شدند.

۴ - ۱. شرکت‌کنندگان پژوهش

جامعه آماری این پژوهش تمام دانش‌آموزان پیش‌دبستانی تک‌زبانۀ ناحیه یک آموزش و پرورش شهر کرج و والدینشان بودند. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از: ۱. کودکان حتماً در مقطع پیش‌دبستانی با گروه سنی ۵ تا ۶ سال باشند، ۲. همه کودکان براساس پرونده‌های سلامت و براساس ارزیابی‌های پیشین از لحاظ رشد شناختی، عقب‌ماندگی یا انحراف نداشتند و ۳. رضایت والدین در شرکت در این آزمون، وجود سلامت جسمانی و عقلانی برای شرکت در این پژوهش. شیوه نمونه‌گیری در دسترس بود و در نهایت داده‌های مربوط به ۹۸ کودک پیش‌دبستانی و والدینشان برای ارزیابی فرضیه‌های پژوهش استفاده شد. متغیرهای پیش‌بین این پژوهش از این قرار بودند: ۱. جنسیت کودکان که به صورت دختر و پسر بود. ۲. تعداد فرزندان خانواده که به دو صورت تک‌فرزند و دارای دو فرزند یا بیشتر تعریف شد، ۳. تحصیلات مادر، ۴. تحصیلات پدر، ۵. شغل پدر (معلم، آزاد، کارمند، خانه‌دار)، ۶. شغل مادر (معلم، آزاد، کارمند و خانه‌دار) و ۷. سبک‌های فرزندپروری (مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه) و متغیرهای ملاک شامل رشد زبانی در حوزه‌های معناشناسی، نحو و تولید کلمه بود.

۴ - ۲. ابزارها

پرسش‌نامه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی برای ارزیابی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شامل سن، جنسیت، شغل والدین، تحصیلات والدین و

تعداد فرزندان از پرسش‌های مشخص بسته پاسخ استفاده شد.

پرسش‌نامه اقتدار والدگری^۱. این پرسش‌نامه دارای ۳۰ ماده است که سه سبک فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه را اندازه‌گیری می‌کند. این پرسش‌نامه براساس نظریه و سبک‌های فرزندپروری بامریند ساخته شده است. نمره‌گذاری در قالب لیکرت ۵ درجه‌ای انجام می‌شود و نمره بیشتر در هر خرده‌مقیاس به معنی بیشتر بودن آن ویژگی است. از والدین خواسته می‌شود تا ادارکشان را از فرزندپروری خودشان مشخص کنند. ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه اولیه این پرسش‌نامه در مطالعه اصلی ساخت این مقیاس روی گروهی از والدین و مادران گزارش شده است و ضرایب همسانی درونی خرده‌مقیاس‌های سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه به ترتیب برابر ۰/۸۲، ۰/۷۴ و ۰/۸۷ به دست آمده است (Buri, 1991). در ایران ساختار عاملی این پرسش‌نامه بر روی نمونه‌ای متشکل از ۵۷۶ نفر بررسی شده است و ساختار عاملی سه عاملی برای پرسش‌های هم در تحلیل عامل اکتشافی و هم تأییدی مشخص شده است و در این مطالعه ضریب همسانی درونی برای مقیاس ۳۰ پرسشی ۶۵ درصد و ضریب اعتبار پرسش‌های آزمون نیز در دامنه‌ای از ۵۴ درصد تا ۷۳ درصد محاسبه شده است (مینائی و نیکزاد، ۱۳۹۶).

آزمون رشد زبانی^۲: در این آزمون اجزای مهارت‌های رشد زبانی در حوزه‌های درک و تولید کلمه‌ها و صرف و نحو سنجیده می‌شود. این آزمون شامل ۹ خرده‌آزمون است. خرده‌آزمون‌ها به ترتیب شامل: واژگان تصویری^۱، واژگان ربطی^۲، واژگان شفاهی^۳، درک دستوری^۴، تقلید جمله^۵، تکمیل دستوری^۶، تمایزگذاری کلمه^۷، تحلیل واجی^۸ و تولید کلمه^۹ است. در این پژوهش از خرده‌مقیاس‌های واژگان ربطی، واژگان شفاهی، درک دستوری، تکمیل دستوری و توانایی تولید و تلفظ کلمات استفاده شد. در خرده‌آزمون واژگان ربطی دو کلمه گفته می‌شود و از کودک خواسته می‌شود بگوید چه شباهت‌هایی این دو کلمه را به هم مرتبط می‌کند. هدف از این خرده‌آزمون سنجش درک مقولات معنایی است. در خرده‌آزمون واژگان شفاهی به کودک یک کلمه گفته می‌شود و از کودک خواسته می‌شود آن کلمه را توصیف و معنای مصداقی آن را ذکر کند. در خرده‌آزمون درک نحو جمله‌هایی برای کودک خوانده می‌شود که از لحاظ دستوری با هم فرق دارند، سپس از کودک خواسته می‌شود به دفترچه

تصاویر نگاه کند و مشخص کند آن جمله از لحاظ دستوری مرتبط با کدام تصویر است. برای مثال، جمله محرک «سگ‌های زیادی کنار هم نشسته‌اند» و سه کارت محرک شامل یک سگ، دو سگ و چند سگ به کودک نشان داده می‌شود و از کودک خواسته می‌شود تصویر مرتبط را مشخص کند. در خرده‌آزمون تکمیل دستوری از کودک خواسته می‌شود به جمله‌ها توجه کند و براساس متن، جمله را کامل کند. برای مثال، علی پسر هست، حسین پسر هست، آن‌ها پسر.....(هستند). هدف از این خرده‌آزمون، بررسی توانایی کودک در استفاده از ادوات صرفی^{۱۰} است. در خرده‌آزمون توانایی تولید و تلفظ کلمات یک تصویر به کودک نشان داده می‌شود و توانایی کودک در تلفظ کلمه‌ها ارزیابی می‌شود. اجرای آزمون برای کودکان پیش‌دبستانی عادی بین ۳۰ دقیقه تا یک ساعت طول می‌کشد. آزمون شامل فهرست کلمات، تصاویر و جمله‌های ناکامل است که آزمونگر بر روی کودک اجرا می‌کند و سپس نمرات مربوط به خرده‌مقیاس‌ها را جداگانه با هم جمع می‌زند و به نمره ترکیبی برای خرده‌مقیاس‌ها می‌رسد (Newcomer & Hammill, 1997; Bell, 2000). هر پاسخ درست نمره ۱ و پاسخ غلط نمره صفر می‌گیرد. هر خرده‌مقیاس دارای ۱۵ تا ۲۰ کلمه، تصویر یا جمله محرک است. نمرات مربوط به هر خرده‌مقیاس با هم جمع زده می‌شود و از نمره ترکیبی هر خرده‌مقیاس برای ارزیابی فرضیه‌های پژوهش استفاده می‌شود. این آزمون در نمونه هزار نفری از کودکان پیش‌دبستانی در ایران اجرا شده است و ساختار عاملی پرسشی نشان داده است همه خرده‌مقیاس‌ها روی یک عامل مشترک بار عاملی دارند که آن عامل کلی بهره زبان گفتاری نام‌گذاری شده است (حسن‌زاده و مینائی، ۱۳۸۰). همچنین، در ارزیابی نسخه فارسی این آزمون میانگین ضرایب آلفا در خرده‌مقیاس‌های واژگان تصویری، واژگان ربطی، واژگان - شفاهی، درک دستوری، تقلید جمله، تکمیل دستوری، تمایزگذاری کلمه، تحلیل واجی و تولید کلمه به ترتیب: ۷۶ درصد، ۸۹ درصد، ۸۹ درصد، ۷۴ درصد، ۹۰ درصد، ۸۱ درصد، ۹۰ درصد، ۹۴ درصد و ۸۲ درصد محاسبه شده است (همان‌جا).

۵. تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌های این پژوهش پس از بررسی مفروضه‌های آزمون‌های آماری برای مقایسه

مهارت‌های زبانی در بین دختر و پسر و همین‌طور مقایسه مهارت‌های زبانی از لحاظ وضعیت تحصیلات و شغل پدر و مادر از آزمون‌های تجزیه و تحلیل واریانس چندراهه و آزمون تجزیه و تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شد. همچنین، برای بررسی تأثیر سبک‌های فرزندپروری بر روی مهارت‌های زبانی نیز از تجزیه و تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شد.

۶. تحلیل داده‌ها

از بین شرکت‌کنندگان ۶۱ نفر (۶۲/۲ درصد) پسر و ۳۷ نفر (۳۷/۸ درصد) دختر بودند. ویژگی‌های توصیفی شرکت‌کنندگان از لحاظ جنسیت، شغل و تحصیلات والدین و تعداد فرزندان خانواده در جدول شماره ۱ نمایش داده است. در جدول شماره ۲ شاخص‌های مرکزی مرتبط با متغیرهای مربوط به رشد زبان و شیوه‌های فرزندپروری نمایش داده شده است.

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی کودکان و والدین
Table 1: Demographic features of children & parents

درصد	تعداد		
۶۲٪	۶۱	دختر	جنسیت
۳۷٪	۳۷	پسر	
٪۷۰	۶۹	یک	تعداد فرزندان
٪۳۰	۲۹	دو و بیشتر	
٪۲۴/۵	۲۴	معلم	شغل پدر
٪۵۹/۲	۵۸	آزاد	
٪۱۶/۳	۱۶	کارمند	
-	-	خانه‌دار	
-	-	معلم	شغل مادر
٪۹/۲	۹	آزاد	
٪۲۲/۴	۲۲	کارمند	
٪۶۸/۴	۶۷	خانه‌دار	
٪۲۷/۶	۲۷	دیپلم زیردیپلم	تحصیلات مادر
٪۶۳/۳	۶۳	کارشناسی	
٪۹/۲	۹	ارشد	

تعداد	درصد		
۲۴	۲۴/۵٪	دیپلم زیردیپلم	تحصیلات پدر
۶۹	۷۰/۴٪	کارشناسی	
۵	۵/۱٪	ارشد	

جدول ۲: شاخص‌های گرایش مرکزی مؤلفه‌های رشد زبان و شیوه‌های فرزندپروری در کودکان پیش‌دبستانی

Table 2: Central indices of language development and parenting styles among preschool children

متغیر	میانگین	میانه	نما	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
رشد زبان	۱۵/۲۷	۱۵	۱۲	۵/۲۷	۰/۰۹	-۰/۵۱
	۱۴/۳۲	۱۳/۵	۱۰	۴/۵۳	۰/۴۴۱	-۰/۷۲
	۱۳/۶۵	۱۲	۱۲	۴/۲۵	۰/۵۴	-۰/۷۴
	۱۲/۸۶	۱۲	۸	۵/۳۴	۰/۵۳	-۰/۷
	۱۴/۲۸	۱۴	۱۱	۳/۴۶	۰/۳۰۱	-۱/۰۸۶
فرزندپروری	۲۰/۵۵	۲۰	۱۲	۷/۹۶	۰/۳۴	-۱/۱۳۸
	۳۲/۳۸	۳۱	۲۳	۷/۴۷	۰/۲۹	-۱/۱۰۶
	۳۲/۹۲	۳۲	۳۲	۶/۳۸	۰/۲۸۱	-۰/۲۱

برای بررسی پرسش‌ها و مفروضه‌های پژوهش که درباره تفاوت عملکردهای زبانی کودکان براساس ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بود از آزمون تجزیه و تحلیل واریانس چندراهه (مانوا) استفاده شد. با توجه به مقایسه‌های چندگانه برای بررسی معناداری مقایسه‌ها و همین‌طور بررسی معناداری ضرایب همبستگی ضریب آلفا با اصلاح بونفرونی تصحیح شد و ملاک تصمیم درباره معناداری ضریب آلفای اصلاح‌شده تعیین شد. مقایسه دو گروه دختر و پسر در کل از لحاظ مؤلفه‌های رشد زبانی تفاوت معناداری را نشان داد (۰/۸۰۳ = لامبدای

ویلکز، $F=4/50$ ، $P<0/001$). مقایسه عملکرد دختران و پسران نشان داد که در خرده‌مقیاس‌های مربوط به درک نحو ($F=8/67$ ، $P=0/004$)، درک کلمات ربطی ($F=16/81$)، $P<0/001$) و تکمیل دستوری ($F=10/06$ ، $P=0/002$) عملکرد دختران به صورت معناداری بهتر از پسران است. اندازه میانگین گروه‌ها در خرده‌مقیاس‌ها در جدول ۳ نمایش داده شده است.

جدول ۳: مقایسه عملکردهای زبانی دختران و پسران

Table 3: Comparison of language development among boys and girls

سطح معناداری	F	انحراف معیار	میانگین	گروه	
0/0001	16/815	4/99	17/86	دختر	واژگان ربطی
		4/42	13/69	پسر	
0/287	1/149	4/89	14/95	دختر	واژگان شفاهی
		4/29	13/93	پسر	
0/004	8/677	4/22	15/22	دختر	درک دستوری
		4/01	12/7	پسر	
0/002	10/063	4/91	14/84	دختر	تکمیل دستوری
		4/75	11/66	پسر	
0/094	2/852	3/77	15/03	دختر	تولید کلمه
		3/21	13/82	پسر	

مقایسه کودکان از خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزنده، تفاوت معناداری را در کل بین مؤلفه‌های رشد زبان نشان نداد و اندازه نمره میانگین هر دو گروه خانواده‌ها نزدیک هم بود ($F=0/896$ ، لامبدای ویلکز، $F=2/12$ ، $p=0/06$). درمورد شغل پدر نیز سه گروه وجود داشت (شغل آزاد، کارمند و مرتبط با خدمات) و عملکرد کودکان از این سه گروه هیچ تفاوتی از جهت رشد زبانی با هم نداشتند ($F=0/938$ ، لامبدای ویلکز، $F=0/592$ ، $P=0/819$). این در حالی است که شغل مادران اثر معناداری روی رشد شاخص‌های زبانی کودکان داشت. سه گروه مادر شامل مادران خانه‌دار، با شغل آزاد و مادران دارای شغل دولتی با عنوان کارمند و دبیر بودند. یافته‌های توصیفی نشان داد در مؤلفه‌های رشد زبان شامل درک کلمات شفاهی، درک نحو،

استفاده از کلمات ربطی، تکمیل دستوری عملکرد کودکانی که مادرانشان شغل بیرون از خانه داشتند اعم از آزاد و یا کارمند بهتر از کودکانی بود که مادرانشان شغل خانه‌داری داشتند. نتایج آزمون تجزیه و تحلیل واریانس نیز نشان داد این تفاوت معنادار است ($F=۰/۷۶۸$, $p=۰/۰۰۱$) و لیکز، $F=۲/۵۷$, $p=۰/۰۰۶$. نتایج آزمون تجزیه و تحلیل واریانس در سطح زیرمقیاس‌ها هم نشان داد در همه شاخص‌های رشد زبانی به جز تولید کلمه، تفاوت معنادار است. نتایج آزمون تعقیبی توکی نیز نشان داد تفاوت عملکرد کودکانی که مادرشان شغل آزاد یا اداری داشتند، بهتر از کودکانی بود که شغل مادرشان خانه‌داری بود. البته، در خرده‌مقیاس تولید کلمه تفاوت دو به دو بین گروه‌ها وجود نداشت. همچنین، تفاوتی بین میانگین عملکرد شاخص‌های رشد زبان در هر گروه کودکان با مادران دارای شغل‌های آزاد/ خدماتی و مادران با شغل اداری وجود نداشت. شاخص‌های آماری مرتبط با اثر شغل مادر بر روی رشد مؤلفه‌های زبانی در جدول ۲ نمایش داده شده است.

جدول ۴: مقایسه مؤلفه‌های رشد زبانی براساس شغل مادر

Table 4: Comparison of language development by mother's occupation

p	F	شغل آزاد/ خدماتی	شغل اداری	خانه‌دار	
		میانگین (انحراف معیار)	میانگین (انحراف معیار)	میانگین (انحراف معیار)	
۰/۰۰۱	۸۶/۷	۱۹/۳(۶/۳)	۱۷/۵(۴/۱۴)	۱۳/۹(۴/۹)	کلمات ربطی
۰/۰۰۱	۷/۴۴	۱۶/۲(۶/۷)	۱۶/۹(۴/۱)	۱۳/۱۹(۳/۸)	کلمات شفاهی
۰/۰۱۲	۴/۶۶	۱۶/۳(۴/۹)	۱۵(۴/۴۰)	۱۲/۸(۳/۸)	درک نحو
۰/۰۰۴	۵/۸۲	۱۶/۷(۶)	۱۴/۴(۴/۳)	۱۱/۸(۴/۷)	تکمیل دستوری
۰/۷۷	۰/۲۵۳	۱۴/۳(۴/۶)	۱۴/۷(۳/۶)	۱۴/۱(۳/۲)	تولید کلمه

عامل بعدی که تأثیرش بررسی شد، میزان تحصیلات پدر بود. نتایج تجزیه و تحلیل واریانس چندراهه نشان داد که تفاوت در کل بین سه گروه با تحصیلات دیپلم و فوق‌دیپلم، گروه لیسانس و گروه فوق‌لیسانی و بالاتر معنادار است ($F=۲/۷۱$, $p=۰/۷۵۸$) و لامبدای و لیکز، $F=۲/۷۱$,

$p=0/004$). میانگین نمره همه مؤلفه‌های رشد زبانی در کودکانی که پدرشان تحصیلات فوق‌لیسانس و بالاتر داشتند بهتر از سایر گروه‌ها بود، ولی تفاوت معنادار در خرده‌مقیاس‌های مربوط به درک نحو ($F=3/34$, $p=0/040$)، کلمات ربطی ($F=11/17$, $p<0/001$) و تکمیل دستوری ($F=6/90$, $p=0/002$) وجود داشت. مقایسه دو به دو گروه‌ها با آزمون تعقیبی توکی نیز نشان داد در خرده‌مقیاس کلمات ربطی تفاوت بین گروه اول با دوم ($F=3/34$ =تفاوت میانگین ها، $p=0/012$)، اول با سوم ($F=10/63$ =تفاوت میانگین ها، $p<0/01$) و دوم با سوم ($F=7/29$ =تفاوت میانگین ها، $p=0/004$) معنادار بود. در خرده‌مقیاس تکمیل دستوری نیز تفاوت گروه‌های اول و سوم ($F=8/60$ =تفاوت میانگین‌ها) در سطح $0/001$ و تفاوت گروه دوم و سوم ($F=6/59$ =تفاوت میانگین‌ها) در سطح $0/05$ معنادار بود. دربارهٔ تحصیلات مادر نیز تفاوت بین سه گروه در مؤلفه‌های استفاده از کلمات ربطی و تکمیل دستوری در سطح $0/05$ معنادار بود. ۲۷ نفر از مادران تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم، ۶۲ نفر تحصیلات لیسانس و ۹ نفر تحصیلات فوق‌لیسانس و بالاتر داشتند و نتایج آزمون‌های تعقیبی نشان داد در کل تفاوت مادران گروه اول با مادران گروه سوم در ($F=4/96$ =تفاوت میانگین‌ها، $p=0/030$) و گروه اول با دوم ($F=4/56$ =تفاوت میانگین‌ها، $p<0/001$) در کلمات ربطی معنادار است، اما تفاوت بین گروه دوم و سوم در سایر متغیرهای مربوط به رشد زبانی معنادار نبود.

برای بررسی ارتباط سبک‌های فرزندپروری و رشد مؤلفه‌های زبانی ابتدا با همبستگی پیرسون بررسی شد سپس با استفاده از تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیره سهم هر یک از سبک‌های فرزندپروری در پیش‌بینی مؤلفه‌های زبانی محاسبه شد. نتایج همبستگی پیرسون در جدول ۳ نمایش داده شده است. یافته‌ها براساس شاخص‌های رگرسیون چند متغیره در جدول ۴ نمایش داده شده است. سبک‌های فرزندپروری هر چند روی توانایی تولید کلمه هیچ تأثیر معناداری نداشتند، اما بر روی سایر شاخص‌های رشد زبانی اثر داشتند. بیشترین میزان تأثیرگذاری مربوط به سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه بود.

جدول ۵: نتایج آزمون هم‌بستگی پیرسون سبک‌های فرزندپروری و مؤلفه‌های رشد زبانی

Table 5: Zero order correlation among parenting styles and language development components

مقدارنه	مستبدانه	سهل‌گیرانه	
کلمات ربط	۰/۴۴۸**	-۰/۳۹۴**	۰/۲۸۵**
۲. کلمات شفاهی	۰/۳۷۵**	-۰/۱۷۱	۰/۲۷۱**
۳. درک نحو	۰/۳۸۹**	-۰/۲۲۷*	۰/۳۳۹**
تکمیل دستوری	۰/۴۵۳**	-۰/۴۱۷**	۰/۳۸۱**
تولید کلمه	۰/۱۳۹	-۰/۱۸۱	۰/۱۷۵

جدول ۶: شاخص‌های رگرسیون رابطه سبک‌های فرزندپروری و مؤلفه‌های رشد معنائشناسی،

نحو و تولید کلمه

Table 6: Regression indices related to role of parenting style on semantic, syntax & word production

متغیر ملاک	پیش‌بینی‌کننده	B	Sd	T	سطح معناداری
کلمات ربطی	مقدارنه	۰/۲۲۰	۰/۰۶۴	۳/۴۳	۰/۰۰۱
	مستبدانه	-۰/۱۷۸	۰/۰۸۴	-۲/۱۲	۰/۰۳۶
	سهل‌گیرانه	۰/۰۸۹۷	۰/۰۶۸	۱/۲۸	۰/۲۰۳
کلمات شفاهی	مقدارنه	-۰/۱۲۶	۰/۰۶۰	۲/۰۸	۰/۰۴۰
	مستبدانه	-۰/۰۰۱	۰/۰۷۹	-۰/۰۱۸	۰/۹۸۶
	سهل‌گیرانه	۰/۱۲۳۱	۰/۰۶۴	۲/۰۶	۰/۰۴۲
درک نحو	مقدارنه	-۰/۱۷۴	۰/۰۵۳	۳/۲۴	۰/۰۰۲
	مستبدانه	۰/۰۲	۰/۰۷۰	-۰/۰۰۲	۰/۹۹۸
	سهل‌گیرانه	-۰/۱۴۷	۰/۰۵۶	۲/۱۲	۰/۰۱۰
تکمیل دستوری	مقدارنه	۰/۱۹۹	۰/۰۵۹	۳/۳۷	۰/۰۰۱
	مستبدانه	-۰/۱۶۳	۰/۰۷۷	-۲/۱۱	۰/۰۲۷
	سهل‌گیرانه	۰/۱۵۲	۰/۰۶۲	۲/۴۴	۰/۰۱۶
تولید کلمه	مقدارنه	۰/۰۲۹	۰/۰۴۸	-۰/۶۱۱	۰/۵۴۳
	مستبدانه	-۰/۰۶۰	۰/۰۶۳	-۰/۹۵۶	۰/۳۴۲
	سهل‌گیرانه	۰/۰۵۴	۰/۰۵۱	۱/۰۷	۰/۲۸۷

بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره، سبک‌های فرزندپروری ۲۶ درصد از واریانس رشد مؤلفه کلمه‌های ربطی، ۱۲ درصد واریانس مؤلفه استفاده از کلمه‌های شفاهی، ۲۱ درصد درک نحو و ۳۱ درصد واریانس تکمیل دستوری را پیش‌بینی کرد، ولی تأثیری روی رشد مؤلفه تولید کلمه نداشتند. بر اساس ضرایب b در جدول ۴ می‌توان گفت سبک فرزندپروری مقتدرانه روی درک کلمات ربطی، درک نحو و تکمیل دستوری تأثیر مثبت و تسهیل‌گرانه دارد ($p < 0.001$). همچنین، ضریب بتای سبک فرزندپروری مستبدانه با مؤلفه‌های رشد کلمات ربطی و تکمیل دستوری منفی بود ($p < 0.05$)، در حالی که ضریب بتای سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با مؤلفه‌های درک نحوی و تکمیل دستوری مثبت و معنادار بود ($P < 0.05$).

۶. نتیجه

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر عوامل مرتبط با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی فرزند و خانواده و سبک‌های فرزندپروری بر روی رشد مؤلفه‌های زبانی اعم از توانایی تولید کلمات ربطی، استفاده از کلمه‌های شفاهی، تولید کلمه‌های جدید، درک نحو و تکمیل دستوری بود. یافته‌های مطالعه نشان داد عملکرد کودکان دختر در مؤلفه‌های رشد زبانی بهتر از پسران است و این تفاوت به‌ویژه در سه حوزه درک معنای ربط کلمه‌ها با یکدیگر، تکمیل دستوری و درک نحو بیشتر بود. این یافته هم‌خوان با مطالعات گذشته باز هم مؤید این امر است که رشد زبانی دختران در برخی حوزه‌ها بهتر از پسران است (Peters, Matson, 2018; Rescorla, Nyame, & Dias, 2016) و این تفاوت در مؤلفه‌های معناشناسی و نحو زبان برجسته است. دومین یافته مطالعه درباره بی‌تأثیر بودن شغل پدر بر روی رشد مؤلفه‌های زبانی بود، اما برعکس یافته‌ها نشان داد کودکان مادران شاغل عملکرد بهتری در همه خرده‌آزمون‌های رشد زبانی از خود نشان دادند و عملکرد کودکانی که مادرانشان خانه‌دار بودند، ضعیف‌تر از کودکانی بود که مادرانشان شغل‌های بیرون از خانه داشتند. همچنین، بخش دیگری از یافته‌های این بخش نشان داد هم تحصیلات پدر و هم تحصیلات مادر بر روی رشد مؤلفه‌های زبانی شامل درک نحو و تکمیل دستوری تأثیر مثبتی می‌گذارد و درکل، کودکانی که مادرانشان شغل بیرون از خانه دارند و همین‌طور کودکانی که والدینشان (هم پدر و هم مادر) تحصیلات بالاتری داشتند رشد زبانی بهتری نسبت به کودکانی که سطح تحصیلات والدینشان پایین‌تر بود یا

کودکانی که مادرشان تنها شغل خانه‌داری داشتند، بود. این نوع یافته‌ها هم‌خوان با مطالعات مختلفی است که نشان داده است در کل عناصر تشکیل‌دهنده وضعیت اجتماعی - اقتصادی خانواده اعم از تحصیلات و شغل والدین روی رشد زبانی کودک اثرگذار است (Hoff, 2006; Cadime, Silva, Ribeiro, & Viana, 2018; Lecheile, Spinrad, Xu, Lopez, & Eisenberg, 2020). در کشور ایران معمولاً شاغل بودن مادر را عاملی منفی در رشد فرزند به‌شمار می‌آورند. این در حالی است که یافته‌های این پژوهش برعکس بود. چند دلیل می‌توان برای این وضعیت برشمرد. یافته‌های جمعیت‌شناختی در کل نشان می‌دهد میزان افسردگی در زنان خانه‌داری که وظیفه مراقبت از فرزندان را به‌تنهایی در خانه دارند بیشتر از زنان شاغل است و افسردگی مادر ممکن است فرصت تحریک کلامی فرزند را کاهش دهد و سرعت رشد مؤلفه‌های زبانی در این کودکان کمتر می‌شود (Nolen-Hoeksema, 1990; Ross, 2017). علاوه بر این ممکن است مادرانی که بیرون از خانه شغل دارند به همان میزان دارای تحصیلات بالاتری باشند و از منابع آموزشی مختلف اطلاعات بیشتری برای تربیت فرزند و تسهیل رشد زبانی به‌دست آورده باشند. بنابراین، شاغل بودن مادر خلاف تصور عامه عامل منفی در رشد زبانی نباید محسوب شود.

سومین یافته مطالعه حاضر این بود که تفاوتی از لحاظ رشد مؤلفه‌های زبانی بین خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند وجود نداشت. این یافته از جهتی مخالف پیش‌بینی‌های مدل تلاقی و فرضیه اتلاف منابع است (Kalmijn & Van de Werfhorst, 2016; Havron, et.al, 2019). به عبارت دیگر، فقط تعداد و کمیت فرزندان خانواده عامل مهم و اثرگذار بر رشد زبانی نیست و احتمالاً عوامل دیگری مانند قدرت فرزندان بزرگتر در تسهیل رشد زبانی فرزندان کوچک‌تر نقش مهم‌تری دارد (Prime, Pauker, Plamondon, Perlman, Jenkins, 2014). اما درکل، درباره این یافته می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که داشتن فرزند زیاد تأثیر مثبتی روی تسهیل رشد زبانی ندارد، بلکه این تأثیر در بیشتر مطالعات پیشین منفی بوده است، ولی در این مطالعه به دلایلی مانند کم بودن تعداد نمونه و نابرابر بودن گروه‌های تک‌فرزند و چندفرزند و همین‌طور غیریکسان بودن جنسیت فرزندان در خانواده‌های تک‌فرزندی و چندفرزندی، این اثر منفی به‌شکل معنادار به‌دست نیامد. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده با کنترل عوامل ذکرشده داده‌های معرفت‌تر برای ارزیابی فرضیه‌های اتلاف منابع و مدل تلاقی جمع‌آوری شود.

آخرین یافته پژوهش حاضر درباره تأثیر مثبت شیوه فرزندپروری مقتدرانه در تسهیل رشد مؤلفه‌های زبانی شامل درک نحو و تکمیل دستوری و تأثیر منفی سبک فرزندپروری مستبدانه روی تضعیف رشد معناشناسی (درک و کاربرد مفاهیم ربط دهنده) و تکمیل دستوری بود. همچنین، سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه نیز رابطه مستقیمی با رشد نحوی و رشد تکمیل دستوری نشان داد. این یافته‌ها هم‌خوان با مطالعات پیشین است که نشان داده است قدرت والدین در پاسخ‌دهی هیجانی مناسب و برقراری نظم و شرایط غیراستبدادی در خانواده به رشد مهارت‌های شناختی و زبانی مختلف کمک می‌کند (Madigan, 2019; Khodadady, 2013). والدینی که بر رفتار خود و خانه مدیریت بهتری دارند و ترکیبی از حمایت، استقلال و محبت را در تربیت کودک در پیش می‌گیرند شرایط بهتری برای رشد مهارت‌های زبانی فراهم می‌کنند. این شیوه‌های فرزندپروری را می‌توان در حکم سکوسازی^{۱۶} برای رشد در نظر گرفت که در نظریه‌های شناختی اجتماعی رشد، مانند نظریه ویگوتسکی^{۱۷} و برونر^{۱۸} نیز به آن اشاره شده است (Obradović, Yousafzai, Finch, Rasheed, 2016; Gibbons, 2002). والدینی با این نوع سبک‌های فرزندپروری می‌توانند با فراهم آوردن بافتار مناسب شرایط را برای ارتقای رشد زبانی در دامنه تقریبی رشد کودک فراهم آورند و از این طریق به تسهیل و تسریع رشد مهارت‌های زبانی کمک کنند. رابطه معنادار سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با رشد نحو و از طرفی رابطه معنادار رشد نحوی با سبک فرزندپروری مقتدرانه، دور از انتظار بود، اما در یک مطالعه دیگر در زمینه رابطه فرزندپروری و رشد نحوی تا حدودی نتیجه مشابه به دست آمده و نشان داده شده است رفتارهای مثبت و منفی در فرزندپروری تأثیر مستقیم روی یادگیری نحوی در دوره پیش‌دبستانی ندارد (Moody et al., 2018). همچنین، در این باره می‌توان گفت رشد نحوی ممکن است تا حدودی ماهیت غیرتعلیمی داشته باشد و کودکان در اثر فرایند خودبه‌خودی رسش به آن نائل می‌شوند (Harris, 2013)، اما فرزندپروری مقتدرانه ممکن است به تقویت یا تسریع این مهارت‌ها کمک کند. مطالعات آینده می‌توانند با طرح‌های طولی یا آزمایشی این یافته را با دقت بیشتری مشخص کنند.

از طرفی یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد برخی از حوزه‌های رشد زبان بیشتر از بقیه تحت تأثیر عوامل اجتماعی و تربیتی قرار دارند. این حوزه‌ها عبارت بودند از توانایی استفاده از کلمه‌های ربطی، درک نحوی و تکمیل گرامری. توانایی استفاده از کلمه‌های ربطی مربوط به

توانایی کودک در درک شباهت‌ها و تفاوت‌های کلمه‌ها و درک مفاهیم و ارتباط مفاهیم و مقولات با یکدیگر است و به نظر می‌رسد همان‌طور که یافته‌های این مطالعه نشان داد هر چه قدر والدین تحصیلات بالاتری داشته باشند و از سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه‌ای استفاده کنند، رشد این مهارت‌ها بیشتر تسهیل می‌شود. دو حوزه دیگر مربوط به درک نحو و توانایی استفاده از ادوات صرفی برای تکمیل گرامر جمله‌ها بود. این حوزه‌ها که با مهارت‌های سوادآموزی در مدرسه نیز ارتباط دارند (Mokhtari, Thompson, 2006; Protector, Silverman,) (Harring, Montecillo, 2012) به نظر می‌رسند، می‌توانند به‌منزله حوزه‌های هدف در ارتقای مهارت‌های زبانی همه کودکان به‌ویژه کودکان متعلق به طبقه‌های اجتماعی - اقتصادی پایین یا فرزندان که مادرشان خانه‌دار هستند، مدنظر قرار گرفته شوند.

آنچه مطالعه حاضر به ادبیات پژوهش این حوزه اضافه می‌کند از این قرار است: ۱. دختران نسبت به پسران در حوزه‌های معناشناسی و نحو عملکرد بهتری در دوره پیش‌دبستانی دارند، ۲. تحصیلات و شغل مادر بیرون از خانه و تحصیلات پدر هر چه قدر بیشتر باشد، رشد در حوزه‌های تکمیل دستوری جمله‌ها و رشد معناشناسی (توانایی استفاده از کلمه‌های ربط‌دهنده مفاهیم) بهتر خواهد بود، ۳. تک‌فرزندی تأثیری روی هیچ‌یک از مؤلفه‌های رشد زبانی شامل معناشناسی، نحو و تولید کلمه ندارد و ۴. سبک فرزندپروری مقتدرانه بیشتر از سایر سبک‌های فرزندپروری روی رشد حوزه‌های معناشناسی زبان (درک کلمات ربطی) و نحو (درک نحو و تکمیل دستوری) اثر مثبت می‌گذارد.

در تفسیر یافته‌های این پژوهش باید به چند محدودیت توجه کرد. ۱. نمونه شرکت‌کننده در این پژوهش معرف جامعه هدف و طبقات مختلف اجتماعی - اقتصادی آن نبود، در نتیجه در تفسیر یافته‌ها به کل جمعیت باید احتیاط کرد، ۲. برای مطالعه برخی ویژگی‌ها مانند فرزندپروری از پرسش‌نامه خودگزارش‌دهی والدین استفاده شد که ممکن است سوگیری‌های خاص خود را داشته باشد و تا حدی یافته‌ها را تحت تأثیر قرار دهد، ۳. در این مطالعه تأثیر تعاملی ویژگی‌های روان‌شناختی فرزند و ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی خانواده با هم بررسی نشد. ممکن است کودکی با ویژگی‌های خاص روان‌شناختی مثل خلق‌وخوی کم‌رو یا با خلق‌وخوی بیش‌فعال در محیط‌های خانوادگی متفاوت عملکرد زبانی متفاوتی داشته باشد، ۴. برای ارزیابی شاخص‌های رشد زبانی در این مطالعه تکالیفی روی کودک اجرا شد و براساس

عملکرد در هر تکلیف به کودک نمره داده شد، امکان دارد استفاده از روش‌هایی مانند ثبت گفتار آزاد کودک و محاسبه شاخص‌هایی مانند میانگین طول گفته^{۱۹} اطلاعات کامل‌تری درباره وضعیت رشد زبانی بدهد و ۵. برای ثبت وضعیت اجتماعی - اقتصادی شرایط برای ثبت درآمد واقعی و منابع اقتصادی واقعی (مانند وضعیت تملک خانه یا متراژخانه) فراهم نشد. این دسته عوامل ممکن است روی یافته‌های به دست آمده، اثرگذار باشند و در نتیجه در تفسیر یافته‌های این پژوهش باید به این موارد توجه کرد و در پژوهش‌های آینده برای دستیابی به نتیجه‌گیری‌های دقیق‌تر این شاخص‌ها نیز مدنظر قرار بگیرد.

پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده با برطرف کردن محدودیت‌های ذکر شده مجدد فرضیه‌های این پژوهش بررسی شود. همچنین، پیشنهاد می‌شود براساس نمره‌های به دست آمده در آزمون رشد زبانی زیرگونه‌های با رشد بالا، متوسط و ضعیف از هم متمایز و تفاوت‌های بین نیمرخ‌های این گروه‌ها از لحاظ عملکرد در سایر توانایی‌های شناختی مانند کارکرد اجرایی و نظریه ذهن بررسی و ویژگی‌های روانی و اجتماعی و فرهنگی خانواده‌های این گروه از کودکان با هم مقایسه شود.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. Resource Dilution Hypothesis
2. Confluence Model
3. The Transactional Model of Development
4. Parenting authority questionnaire
5. Test of language Development (TOLD)
6. picture vocabulary
7. Relational Vocabulary
8. Oral Vocabulary
9. Syntactic Understanding
10. Sentence Imitation
11. Morphological Completion
12. Word Analysis
13. Word Discrimination
14. Word Articulation
15. Morphological forms
16. scaffolding
17. vygotesky

18. bruner
19. mean length utterance (MLU)

۸. منابع

- احدی، ح. (۱۳۹۵). توانایی دستوری و کاربردشناختی در آسیب زبانی: درجه‌ای به‌سوی بررسی حوزه‌ای بودن زبان. *جستارهای زبانی*، ۴، ۱ - ۲۰.
- حسن‌زاده، س.، و مینایی، ا. (۱۳۸۰). انطباق و هنجاریابی آزمون رشد زبان TOLD-P:3 برای کودکان فارسی‌زبان تهرانی. *کودکان استثنایی*، ۱، ۳۵ - ۵۱.
- مینایی، ا.، نیک راد، س. (۱۳۹۶). ساختار عاملی و اعتبار نسخه فارسی پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند. *خانواده پژوهش*، ۴۹، ۹۱ - ۱۰۸.

References:

- Ahadi, H. (2016). Pragmatic and grammatical competence in language impairment: A window onto Domain Specificity. *Language Related Research*, 2016; 7 (4) Pp:1-21[In Persian].
- Almani, A. S., Abro, A., & Mugheri, R. A. (2012). Study of the effects of working mothers on the development of children in Pakistan. *International Journal of Humanities and Social Science*, 2(11), 164-171.
- Berger, L., Brooks-Gunn, J., Paxson, C., & Waldfogel, J. (2008). First-year maternal employment and child outcomes: Differences across racial and ethnic groups. *Children and Youth Services Review*, 30(4), 365-387.
- Betancourt, L. M., Brodsky, N. L., & Hurt, H. (2015). Socioeconomic (SES) differences in language are evident in female infants at 7 months of age. *Early Human Development*, 91(12), 719-724.
- Buri, J.R. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of personality assessmen*, 57(1), 110-119.
- Bingham, G. E., Jeon, H. J., Kwon, K. A., & Lim, C. (2017). Parenting styles and home literacy opportunities: Associations with children's oral language skills. *Infant*

and Child Development, 26(5),1-18.

- Bornstein, M. H. (2005). *Handbook of parenting: Volume I: Children and parenting*. Psychology Press.
- Bornstein, M. H, Cote, L. R., Haynes, O. M., Hahn, C., & Park, Y. (2010). Parent knowledge: Experiential and socioedemographic factors in European American mothers of young children. *Developmental Psychology*, 46(6), 1677–1693.
- Bowey, J. A. (1995). Socioeconomic status differences in preschool phonological sensitivity and first-grade reading achievement. *Journal of Educational Psychology*, 87(3), 476–487.
- Bradley, R. H., Corwyn, R. F., Burchinal, M., Pipes McAdoo, H., & García Coll, C. (2001). The home environments of children in the United States Part II: Relations with behavioral development through age thirteen. *Child Development*, 72(6) , 1868–1886.
- Bronfenbrenner, U. (1992). Ecological systems theory. In R. Vasta (Ed.), *Six theories of child development: Revised formulations and current issues* (Pp. 187–249). Jessica Kingsley Publishers: London.
- Brooks-Gunn, J., Han, W. J., & Waldfogel, J. (2010). First-year maternal employment and child development in the first 7 years. *Monographs of the Society for Research in Child Development*, 75 (2), 1-148.
- Buri JR. Parental authority questionnaire. *Journal of Personality Assessment*. 1991, 57(1), 110–119.
- Cadime, I., Silva, C., Ribeiro, I., & Viana, F. L. (2018). Early lexical development: Do day care attendance and maternal education matter? *First Language*, 38(5), 503-519.
- Downey, D. B. (2001). Number of siblings and intellectual development: The resource dilution explanation. *American psychologist*, 56(6-7), 497–504.
- Eriksson, M. (2017). The swedish communicative development inventory III: Parent

- reports on language in preschool children. *International Journal of Behavioral Development*, 41(5),647-654.
- Gibbons, P. (2002). *Scaffolding language, scaffolding learning*. Portsmouth, NH: Heinemann.
 - Gleason, J. B., & Ratner, N. B. (1989). *The development of language*. Columbus, OH: Merrill.
 - González, V. (2001). The role of socioeconomic and sociocultural factors in language minority children's development: An ecological research view. *Bilingual Research Journal*, 25(1-2),1-30.
 - Harris, M. (2013). *Language experience and early language development: From input to uptake*. Psychology Press.
 - Hasanzadeh, S., Minaie, A. (2001). Adaptation and standardization of the test of TOLD-P: 3 for Farsi - Speaking Children of Tehran. *Journal of Exceptional Children*, 1 (1) , 35-51.
 - Havron, N., Ramus, F., Heude, B., Forhan, A., Cristia, A., Peyre, H., & EDEN Mother-Child Cohort Study Group. (2019). The effect of older siblings on language development as a function of age difference and sex. *Psychological Science*, 30(9): ,1333-1343.
 - Hoff, E. (2006). How social contexts support and shape language development. *Developmental review*, 26(1),55-88.
 - Jæger, M. M. (2009). Sibship size and educational attainment. A joint test of the confluence model and the resource dilution hypothesis. *Research in Social Stratification and Mobility*, 27(1),1-12.
 - Khodadady, E., & Hadizadeh, B. (2013). Parenting styles and their relationships with pre-school children's first language proficiency. *American Journal of Scientific Research*, 12 (93),97-107.
 - Kidd, E., & Arciuli, J. (2016). Individual differences in statistical learning predict children's comprehension of syntax. *Child Development*, 87(1), 184-193.

- Kalmijn, M. (1994). Mother's occupational status and children's schooling. *American Sociological Review*, 59 (2), 257-275.
- Kalmijn, M., & Van de Werfhorst, H. G. (2016). Sibship size and gendered resource dilution in different societal contexts. *PloS one*, 11(8), 1-16.
- Lawson, D. W., & Mace, R. (2009). Trade-offs in modern parenting: a longitudinal study of sibling competition for parental care. *Evolution and Human Behavior*, 30(3), 170-183.
- Long, M. H. (1990). Maturation constraints on language development. *Studies in Second Language Acquisition*, 12(3), 251-285.
- Lombardi, C. M., & Coley, R. L. (2017). Early maternal employment and children's academic and behavioral skills in Australia and the United Kingdom. *Child development*, 88(1), 263-281.
- Lecheile, B. M., Spinrad, T. L., Xu, X., Lopez, J., & Eisenberg, N. (2020). Longitudinal relations among household chaos, SES, and effortful control in the prediction of language skills in early childhood. *Developmental Psychology*, 56(4), 727-738
- Newcomer, P.L., & Hammill, D. (2019). *The test of language development, TOLD5*. Austin, Texas: Empiric Press.
- Nolen-Hoeksema, S. (1990). *Sex differences in depression*. Stanford University Press.
- Merz, E. C., Zucker, T. A., Landry, S. H., Williams, J. M., Assel, M., Taylor, H. B., & Eisenberg, N. (2015). Parenting predictors of cognitive skills and emotion knowledge in socioeconomically disadvantaged preschoolers. *Journal of Experimental Child Psychology*, 132, 14-31.
- Madigan, S., Prime, H., Graham, S. A., Rodrigues, M., Anderson, N., Khoury, J., & Jenkins, J. M. (2019). Parenting behavior and child language: a meta-analysis. *Pediatrics*, 144(4), 1-14.
- Marjanovič-Umek, L., & Fekonja-Peklaj, U. (2017). Gender differences in children's

language: a meta-analysis of Slovenian studies. *Center for Educational Policy Studies Journal*, 7(2),97-111.

- Minaei, A., & Nikzad, S. (2017). The factor structure and validity of the Persian version of the Baumrind parenting style inventory. *Journal of Family Research*, 13(1), 92-108 [In Persian].
- Mokhtari, K., & Thompson, H. B. (2006). How problems of reading fluency and comprehension are related to difficulties in syntactic awareness skills among 5th graders. *Literacy Research and Instruction*, 46(1), 73-94.
- Moody, C. T., Baker, B. L., & Blacher, J. (2018). Contribution of parenting to complex syntax development in preschool children with developmental delays or typical development. *Journal of Intellectual Disability Research*, 62(7),604-616.
- Obradović, J., Yousafzai, A. K., Finch, J. E., & Rasheed, M. A. (2016). Maternal scaffolding and home stimulation: Key mediators of early intervention effects on children's cognitive development. *Developmental psychology*, 52(9),1409-1421.
- Pace, A., Luo, R., Hirsh-Pasek, K., & Golinkoff, R. M. (2017). Identifying pathways between socioeconomic status and language development. *Annual Review of Linguistics*, 3, 285-308.
- Peters, W. J., & Matson, J. L. (2018). Communication disorders. In *Handbook of Childhood Psychopathology and Developmental Disabilities Assessment* (pp. 313-330). Springer, Cham.
- Pancsofar, N., & Vernon-Feagans, L. (2006). Mother and father language input to young children: Contributions to later language development. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 27(6),571-587.
- Pancsofar, N., Vernon-Feagans, L., & Family Life Project Investigators. (2010). Fathers' early contributions to children's language development in families from low-income rural communities. *Early childhood Research Quarterly*, 25(4),450-463.
- Prime, H., Pauker, S., Plamondon, A., Perlman, M., & Jenkins, J. (2014). Sibship size, sibling cognitive sensitivity, and children's receptive

vocabulary. *Pediatrics*, 133(2),394-401.

- Proctor, C. P., Silverman, R. D., Harring, J. R., & Montecillo, C. (2012). The role of vocabulary depth in predicting reading comprehension among English monolingual and Spanish-English bilingual children in elementary school. *Reading and Writing*, 25(7),1635-1664.
- Pungello, E. P., Iruka, I. U., Dotterer, A. M., Mills-Koonce, R., & Reznick, J. S. (2009). The effects of socioeconomic status, race, and parenting on language development in early childhood. *Developmental psychology*, 45(2), 544-557 [In Persian].
- Raviv, T., Kessenich, M., & Morrison, F. J. (2004). A mediational model of the association between socioeconomic status and three-year-old language abilities: The role of parenting factors. *Early Childhood Research Quarterly*, 19(4),528-547.
- Rescorla, L., Nyame, J., & Dias, P. (2016). Vocabulary development in European Portuguese: A replication study using the Language Development Survey. *Journal of Speech, Language, and Hearing Research*, 59(6),1484-1490.
- Ross, C. E. (2017). *Social causes of psychological distress*. Routledge.
- Rowe, M. L., Denmark, N., Harden, B. J., & Stapleton, L. M. (2016). The role of parent education and parenting knowledge in children's language and literacy skills among white, black, and latino families. *Infant and Child Development*, 25(2),198-220.
- Sameroff A. J. (2009) *The transactional model of development: How children and contexts shape each other*. American Psychological Association, Washington, DC.
- Simonsen, H. G., Kristoffersen, K. E., Bleses, D., Wehberg, S., & Jørgensen, R. N. (2014). The Norwegian Communicative Development Inventories: Reliability, main developmental trends and gender differences. *First Language*, 34(1), 3-23.
- Stennes, L. M., Burch, M. M., Sen, M. G., & Bauer, P. J. (2005). A longitudinal study of gendered vocabulary and communicative action in young children. *Developmental Psychology*, 41(1), 75-88.

- Strohschein, L., Gauthier, A. H., Campbell, R., & Kleparchuk, C. (2008). Parenting as a dynamic process: A test of the resource dilution hypothesis. *Journal of Marriage and Family*, 70(3), 670-683.
- Tompkins, V., Logan, J., Blosser, D. F., & Duffy, K. (2017). Child language and parent discipline mediate the relation between family income and false belief understanding. *Journal of Experimental Child Psychology*, 158, 1–18.
- Vernon-Feagans, L., Garrett-Peters, P., Willoughby, M., Mills-Koonce, R., & Family Life Project Key Investigators. (2012). Chaos, poverty, and parenting: Predictors of early language development. *Early Childhood Research Quarterly*, 27(3), 339-351.
- Sperry, D. E., Sperry, L. L., & Miller, P. J. (2019). Reexamining the verbal environments of children from different socioeconomic backgrounds. *Child Development*, 90(4), 1303-1318.